

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۵۳۴



فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

داستان انقلاب را امروز بنویسید!

واقعاً انقلاب جزو آن حوادثی است که جز بسا زبان هنری، اصلا قابل بیان نیست،مثلا آدم چطور می تواند در یک تاریخ، وضعیت زندان های رژیم پهلوی را تصویر کند؟ اصلا در تاریخ نمی شود. کسی حوصله ندارد که اینها را در تاریخ بخواند، جز در داستان و شعر؛ عمده در داستان می شود اینها را بیان کرد. بقیه ماجراهایی هم که در انقلاب گذشته، فقط در قصه و کار هنری قابل ارائه است و لاغیر. لذاست که داستان انقلاب باید نوشته می شد،شمالا آن می توانید داستان انقلاب را بنویسید. اصلا آن را باید حالا بنویسید. داستان انقلاب را آن زمان ها نمی شد نوشت، الان باید نوشت. کما اینکه من می گویم قصه جنگ را هم الان باید نوشت.

زمان جنگ، خاطرات جنگ را می شد نوشت؛ همین کاری که شماها کردید اما قصه جنگ یک چیز دیگر است. هنرمندی که می خواهد از این ماجرا یک قصه دربیاورد، باید بر فضا مسلط باشد تا بتواند از همه عناصر استفاده کند. اصلا خاصیت کار هنری این است. باید اثر پایی از همه قضایای انقلاب در این قصه بیاید. در یک کوچه اتفاقی می افتد، در یک خانه اتفاقی می افتد اما این کوچک شده آن حادثه بزرگی است که در همه جای کشور اتفاق افتاده است.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای/ من و کتاب
انتشارات سوره مهر – صفحات ۵۹ و ۶۰
در دیدار نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷/۳/۲

حزب الله

امروز لفظ پاک «حزب‌الله» گویا که در قاموس «روشنفکر» این قوم، دشنام سختی است!

اما من خوب یادم هست روزی که «وشنفکر» در کافه‌های شهر آرشوب عرق می خورد با جلفشاهی های جانبازان «حزب‌الله» تاریخ این ملت ورق می خورد!

سیدحسن حسینی / همصدا با حلق اسماعیل
انتشارات حوزه هنری – صفحه ۵۰

حدود اختیارات و وظایف ولی فقیه

اگر فرد لایقی که دارای آن ۲ خصلت اعلم به قلوب و عدالت) باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم(ص) در امر اداره جامعه داشتند داراست و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیشتر از حضرت امیر(ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته «فضایل» حضرت رسول اکرم(ص) بیش از همه عالم است و بعد از ایشان، «فضایل» حضرت امیر(ع) از همه بیشتر است. لکن زیادی فضایل معنوی، «اختیارات حکومتی» را افزایش نمی دهد.
همان اختیارات ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک و بسج سیاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فاعلی قرار داده است، منتها شخص معینی نیست، هر عنوان «عالم عادل» است. وقتی می گوئیم ولایتی را که رسول اکرم(ص) و ائمه(ع) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقه، همان مقام امام(ع) و رسول اکرم(ص) است. زیرا اینجا صحبت از «مقام» نیست، بلکه صحبت از «وظیفه» است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است، نه اینکه برای کسی شان و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصویری که خیلی افراد دارند امتیاز نیست، بلکه وظیفه‌ای خطیری است.

سیدروح الله موسوی خمینی / ولایت فقیه
صفحات ۵۵ و ۵۶

امام خمینی و نجات دین از فردگرایی

حضرت امام خمینی(ره) فهمیدند غور در عرفان و فقه و فلسفه بدون حیات دینی که به وسعت اجتماع باشد، یک نوع انزوا و فرو افتادن در دیوارهای تنگ فردگرایی است و از این طریق انسان به شکوفایی واقعی نمی رسد و از آن طریق بی آیندگی به کلی از صحنه جان انسان رخت بر نمی بندد و در نتیجه خداوند انقلاب اسلامی را به ایشان هدیه داد. همان طور که اهل سنت روایات غدير را می شناسند ولی عداى از بدخواهان موضوع را به یک موضوع سیاسى تبدیل کردند، به طورى که برادران اهل سنت ما تصور می کنند می توانند بدون ارتباط با علی علیه السلام و مسیر حاکمیت اهل بیت علیهم السلام سلوک دینی خود را ادامه دهند. همین طور این خطر برای مردم ما نسبت به انقلاب اسلامی هست که عده‌ای فکر کنند برای مسلمان بودن نیازی نیست حتماً وارد اردوگاه انقلاب اسلامی شد. با این تحلیل، همان ظلمی که به جهان اهل سنت شد و آنها را از عترت رسول خدا(ص) جدا کرد، به شیعه می شود و آنها را از غدير قرن چهاردهم، یعنی انقلاب اسلامی، جدا می کنند و از برکات فوق العاده این ارتباط محروم می گردانند.

اصغر طاهرزاده

انقلاب اسلامی؛ بازگشت به عهد قدسی
نشر الهمیزان – صفحه ۴۵

پیامبر اعظم(ع)

داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۳۷
پيام‌سان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مروری محتوایی، ساختاری و فنی بر فیلم‌های فجر چهل و چهارم و شیوه برگزاری آن

جوان شدن در ۴۴ سالگی



میلاد جلیل‌زاده

سال و بارصد میزان فروش و تعداد مخاطبانی که هر کلام از فیلم‌های اکران شده دارند، چندان نمی‌توان به داتقه مخاطبان ایرانی یا فیلمسازان ایرانی پی برد. سیستم اکران سینمای ایران طوری مهندسی شده و حتی سالن‌های نمایش به شکلی جابایی شده‌اند که غیر از کمدهای مبتذل، هیچ فیلم دیگری موفق نباشند اما همه مردم ایران همان‌هایی نیستند که در این جو مهندسی شده مسموم، آمارهای گیشه‌ها را می‌سازند و بخش قابل توجهی از مردم ایران و مخاطبان سینمای آن را می‌توان در جشنواره فجر دید؛ جایی که فیلم‌های درام، معمایی، اکشن و انواع ژانرهای دیگر در فهرست علاقه‌مندی‌ها قرار می‌گیرند و به جمع منتخب‌های تماشاگران راه پیدا می‌کنند و جایی که منتقدان و اصحاب رسانه با حرارت تمام درباره کیفیت و مضمون آثار حرف می‌زنند یا می‌نویسند و کسی سقف شعور مردم ایران را ۴ انگشت پایین‌تر از علاقه‌بی‌پایان و ناتمام برای خندیدن به جلف‌ترین لوده‌بازی‌ها نمی‌داند. می‌توان در این چارچوب نشست و دید که امسال فجر سراغ چه ژانرهای رفت یا نرفت و چه مضامینی در آن پررنگ بودند یا کمرنگ شدند اما از یک منظر دیگر هم می‌توان به فجر امسال نگاه کرد؛ ناآرامی‌های دی‌ماه امسال، هم روی روند تولید فیلم‌ها تاثیر گذاشت، هم در کار اصحاب رسانه اختلال جدی به وجود آورد و هم فراتر از اینها جوی به وجود آورد که در آن صحبت از تحریم جشنواره یا نیايدمن به آن، علت سوگاری(۱) مطرح بود. این نوع رفتارها از سال ۹۸ شروع شد و در ۱۴۰۱ هم دیده می‌شد و ظاهراً تا بد هر بار که بهانه‌ای به دست بیاید، بخشی از سلب‌ریتی‌ها هم که در حباب دنبال کنندگان مجازی‌شان زندگی می‌کنند، پس از اینکه دستمزدهشان را بابت حضور در یک فیلم دریافت کردند، نشستند در خانه و نیايدمن به نشست خبری فیلم‌شان در جشنواره را به عنوان مبارزه سیاسی فاکتور می‌کنند. البته همه چیز در پیروی از جو فضای مجازی خلاصه نمی‌شود و بخشی از فشارها هم از جانب همکاران آنها وارد می‌شود. یعنی کسانی که دوره لوچ‌شان گذشته است و چون خودشان کار نمی‌کنند، چشم دیدن اینکه بقیه کار می‌کنند را هم ندارند. رفتارهای این بخش از بدنه سینما، یعنی چهره‌های مشهور بازیگری که ۶۰ الی ۸۰ درصد بودجه فیلم‌ها هزینه دستمزد آنها می‌شود و در ۶۰ سالگی نقش تازه‌مادها را ایفا می‌کنند و مدت‌هاست اجازه کشف و خلق ستاره‌های جدید را به عنوان جایگزین‌های خودشان نداشته‌اند، امسال واکنش‌های تندى در جشنواره به راه انداخت و زمزمه‌ها درباره اینکه ما از هر لحاظ، نه فقط به لحاظ سیاسى بلکه از هر لحاظ، نیاز به پوست‌اندازی در بدنه بازیگری‌مان را حس می‌کنیم. مرتب شنیده می‌شد. از سال ۱۴۰۰ که بعد تعدادی از کارگردان‌های جوان وارد عرصه شدند که ورود آنها تاثیرگذار بود و حالا در فجر چهل‌وچهارم، میانگین سنی فیلمسازان از عدد سن خود جشنواره کمتر است اما این پوست‌اندازی باید به حوزه بازیگری هم کشیده شود.

سومین چارچوبی که می‌توان جشنواره فجر امسال را در قالب آن بررسی کرد، نوع برگزاری‌اش و ضعفا و قوت‌های آن نسبت به دوره‌های دیگر است. این دست مباحث در هر دوره‌ای از فجر رواج دارد اما مساله جهت چهل‌وچهارم از یک جهت ویژه و خاص بوده نه از این جهت که امسال ناآرامی‌های دی‌ماه روی جو برگزاری جشنواره موثر بود و عبور متولیان این رویداد از چنین وضعی قابل بررسی است؛ چه اینکه در ۳ دولت قبلی و تحت مدیریت ۳ دبیر پیشین جشنواره هم چنین فضایی به وجود آمده بود. برگزاری فجر امسال از این جهت ویژه است که دبیر آن برای این دوره تصمیمات کاملاً خاصی گرفت و با نظر شخصی‌اش تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد کرد که همگی مربوط به قبل از دی‌ماه بودند. حذف هیات انتخاب، حذف قرعه‌کشی برای زمان نمایش فیلم‌ها و انجام این مراحل با نظر شخصی دبیر جشنواره، داوری شدن آثار کوتاه و مستند توسط هیات داوران بخش فیلم‌های بلند و چند مورد دیگر، همگی در این چارچوب قرار می‌گیرند. در ادامه به بررسی محتوایی و کیفی فیلم‌های فجر چهل‌وچهارم و دسته‌بندی آنها در چند گروه پرداخته می‌شود که مربوط به چارچوب اول بحث است و درباره چارچوب دوم بحث که به نوع برگزاری جشنواره و نهایتاً داوری‌های آن مربوط می‌شود هم مواردی ذکر خواهد شد. اما چارچوب دوم را که به حاشیه‌ها مربوط می‌شود می‌توان فعلاً در همین جا خلاصه کرد.
دنباله‌اش را موقوف کرد به روزی که بتوانیم با ورق خوردن این دفتر و تازه شدن فهرست بازیگران سینمای ایران از چنین وضعی رها شویم.

جهان جدید سینمای ایران

در فجر امسال حضور فیلم‌اولی‌ها بسیار پررنگ بود و غیر از آن هم فیلمسازان باسابقه‌تری که دیده شدند، عمدتاً کارهای دوم و سوم‌شان را ساخته بودند. یعنی با رویدادی مواجه بودیم که ماحصل فکر جوان‌ترهای سینما بود و خواهی‌نخواهی دفتر نسل‌ها در سینمای ایران ورق خورد. با نگاهی به مجموع فیلم‌های به نمایش درآمده در این ۱۱ روز، می‌توان چند مؤلفه مهم- و اصلی را از دل آنها بیرون کشید و مدنظر قرار داد. نخستین نکته توجه ویژه به ژانر معمایی بود که در بعضی موارد پیوست جنبایی می‌خورد و در بعضی موارد دیگر پیوست جاسوسی. نکته دوم عادی شدن نقش منفی زن‌ها در فیلم‌ها بود. نمی‌توان گفت نقش منفی زن‌ها در روایت‌ها بیشتر از مردها شده بود اما اگر قرار است زن‌ها در کنار مردان آرزوایی شوند و جنس دوم نباشند، طبیعی است که نه فقط در نقش‌های اجتماعی خوب، بلکه در بدی‌ها و شرارت‌ها هم به همان اندازه سهم باشند. یک موضوع دیگر تصویری است که سینمای ایران از



برندگان سیمرغ‌ها مشخص شدند

برندگان چهل‌وچهارمین جشنواره ملی فیلم فجر شامگاه چهارشنبه مشخص شدند.
به گزارش «وطن امروز»، برگزیدگان جوایز اصلی به این شرح است:
سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن: کارن هما یونفر
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: شهرام حقیقت‌دوست
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن: مارال فرجاد
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن: آرزتا حاجیان
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد: بهرام افشاری
سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه: مهدی یزدانی خرم و مریم بهروز
جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین کارگردانی: بابک خواجه‌پاشا
سیمرغ بلورین بهترین کارگردان: کاظم دانشی
سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی (جایزه ویژه شهید سلیمانی): حبیب والی‌نژاد برای فیلم نیم‌شب
سیمرغ بلورین بهترین فیلم: منوچهر محمدی برای فیلم سرزمین فرشته‌ها

خوابکاری‌ها یک زن است، در «گیس» عامل جنایات، خیانت و زیاده‌خواهی یک زن است، در «حاشیه» نقطه ثقل جنایت‌ها که از طریق او به داخل معما نگاه می‌شود یک زن است، در «خواب» یک زن ضرور که ابتدا فرشته‌گون ظاهر می‌شود، عامل زوال روانی یک مرد است و در «استخر» زنی یوا که زندگی‌اش را رها می‌کند عامل اصلی گرفتاری‌هاست. در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که سینمای ایران در حال نشان دادن تصویری زشت و جنایتکار از زن‌هاست اما واقعیت را باید طور دیگری دید. اگر زن‌ها قرار است استثنایی نباشند و تا بد هم به شهیدی یونچوان در جنگ تحمیلی اشاره می‌کرد. چند فیلم هم مرتبط با فضای جنگ ۱۲ روزه بودند اما در واقع زندگی مردم عادی را نمایش می‌دادند و کاملاً مشخص بود که یکی دو سکسنس به فیلمنامه اضافه کرده‌اند یا تغییر داده‌اند که فیلم به جنگ ۱۲ روزه هم ربط پیدا کند. نکته نهایی که می‌توان به آن توجه کرد، طیفی از فیلم‌ها بود که به عنوان بازماندگان مدل‌های قدیمی فیلمسازی در ایران، کاملاً فارغ از همه دغدغه‌های عام مردم ایران، در دنیای خودشان سیر می‌کردند. فیلم‌هایی با شخصیت‌های مذکر بالای ۵۰ سال (که البته یکی‌شان بالای ۴۰ سال معرفی می‌شد) و درگیر با اختلال‌های درونی شخصیت‌ها و بازتاب‌دهنده مشکلاتی که نه از اقتصادی‌اند نه اجتماعی، بلکه برآمده از نوع نگاه فرد به دنیا هستند. این فیلم‌ها با چاشنی طنز به نمایش درآمده و بعضاً با استقبالی از سمت عداوی از مخاطبان هم مواجه شدند اما به هیچ وجه در حد و اندازه استقبالی که سال‌ها پیش متوجه این نوع آثار می‌شد، مورد توجه قرار نگرفتند. در ادامه طی مروری گذرا و فهرست‌وار، اشاره‌ای به این آثار در دسته‌بندی‌های مخصوص به خودشان می‌شود.

■ **معما**

در فجر امسال فیلم‌هایی مثل «غوطه‌ور»، «تقاطع نهایی»، «گیس» و به نوعی می‌توان گفت «خواب» و «حاشیه»، تم معمایی و جنایی داشتند. «قمارباز» با تم امنیتی مربوط به جنگ ۱۲ روزه، «جان‌شنین» با موضوع جنگ ۸ ساله و «کارواش» با موضوع مفاسد اقتصادی و پولشویی، دیگر آثاری بودند که مایه‌های معمایی پررنگی در آنها وجود داشت. همچنین «ردوبهشت» هم از آنجا که در جست‌وجوی کشف یک حقیقت و به اثبات رساندن آن بود، تا حدودی در این ریل حرکت کرد. غیر از «کارواش» که احمد مرادیور به عنوان یکی از کهنه‌کاران سینمای ایران آن را کارگردانی کرده بود، تمام فیلم‌های معمایی دیگر را جوان‌ترها ساخته بودند و تعداد زیادی از آنها فیلم‌اولی هستند. حتی احمد مرادیور هم که بعد از ۶ سال به فیلمسازی برگشت، مناتر از فیلمنامه‌نویس کار بود. واقعیت این است که نسل قبلی فیلمسازان ایرانی، با وجود تمام ارزش‌هایی که در کارشان وجود داشت، به لحاظ طرح معما از حل آن در قصه به‌شدت ضعف داشتند؛ طوری که غیر از یکی دو فیلم محمدعلی سجادی در دهه ۶۰ و سرال «سن‌سرخ» از کیومرث پوراحمد در دهه ۷۰ و احیاناً چند مورد جزئی دیگر، اساساً داستان کارآگاهی و معمایی خاصی را در سینمای ایران نمی‌شد یافت اما اخیراً و خصوصاً در میان نسل جدید، توجه ویژه‌ای به این موضوع شده است.
نقش منفی زن

در فیلم «غوطه‌ور» شخصیت منفی اصلی یک زن است، در «تقاطع نهایی» ۳ زن قصد کشتن و سپس انهدام جسد یک مرد را دارند، در «قمارباز» اصلی‌ترین عامل تمام



۲۰ ماه پیش در جشنواره جهانی فجر هم حضور داشت. «آن‌دو» به کم سن و سال‌ترین شهید داوطلب جنگ ۸ ساله می‌پردازت و در سکانس‌های نهایی فیلم «مارون» هم اشاره‌ای به جنگ تحمیلی شد.

■ **تصویر متدینان**

از آنجا که سینمای ایران در سال‌های اخیر طعنه‌های فراوانی به قشر مذهبی و انقلابی زده و حتی یکی از دستورات‌العمل‌های فروش آثار کمدهی مبتذل، تکه‌پرانی به همین قشر است، نوع نمایش تصویر این طیف از جامعه در سینما می‌تواند به طور دقیق مورد توجه قرار بگیرد. در بعضی فیلم‌ها، خصوصاً آنهایی که افراد متعلق به نسل قبل ساخته‌اند، اساساً چنین جماعتی وجود خارجی ندارند؛ حتی کسی که اسمی مذهبی داشته باشد در ایران نیست مگر کلفت‌ها و نوکرهای پیر. «دختر پری‌خانم»، «فایق‌سواری در تهران» و «استخر» از جمله این آثارند و بعضی‌های دیگر در حال تکه‌پرانی‌های زرد و جلف به این طیف از جامعه هستند که امسال مبتذل‌ترین نمونه‌اش در «زن‌مشور» به کارگردانی کاظم دانشی دیده شد. «خواب» یک داستان روان‌شناختی را به تصویر کشید اما بی‌هیچ علت منطقی خاصی، زن و شوهر میانسال روایت را چادری و مذهبی و مداح اهل‌بیت نشان داد. در «حال خوب زن» مردی مذهبی را می‌بینیم که در مقابل مشکلات روحی همسرش صبوری می‌کند و باعث بهبود اوضاع می‌شود. در «غوطه‌ور» و «حاشیه» این تصویر پررنگ‌تر بود. در ۲ فیلم بسیجی‌ها به کمک پلیس می‌آیند و به حل یک موضوع بغرنج کمک می‌کردند. این ۲ فیلم در نمایش تصویر نرمال و انسانی از افراد متدین موفق بودند.

■ **باقی‌مانده نسل قدیم**

تعدادی از فیلم‌های فجر امسال را می‌شد باقی‌مانده نگاه نسل قدیم سینمای ایران به موضوعات جهان دانست. فیلم‌هایی که از چند سال پیش اصلاًحالا به آنها «حال خوب کن» می‌گوئیم اما حالا نسبت به اینکه واقعاً چنین کارکردی داشته باشند تردیدهایی جدی ایجاد شده است. «فایق‌سواری در تهران»، «دختر پری‌خانم» و «استخر» که به ترتیب از رسول صدرعاملی، محمدرضا عمتمدی و سروش صحت بودند، مردان میانسانی را نمایش می‌دادند که به لحاظ مالی پشت‌پوانه محکم و گرمی دارند اما مساله اصلی‌شان اختلال در نوع روابط‌شان با زن‌هاست. با کنار گذاشتن تعارفات معمول به‌صراحت می‌توان گفت این مشکل اگر هم در سطح جامعه ایران صادق داشته باشد، عمومیت ندارد و فقط یک جامعه هنرمندان است که می‌توان آن را تا این حد عام یافت. به عبارتی آنها نتوانستند از حباب ذهنی و اجتماعی خودشان بیرون بیایند و با باقی جامعه ارتباط بگیرند و قیله‌هایی که می‌بینیم حاصل فروبستگی آنها در خود است. این امر را خصوصاً در واکنش‌هایی که نسبت به «استخر» داده شد می‌توان دید؛ چه اینکه این فیلم با وجود بازی امین حیایی، مه‌ران مدیری، بیژن بنفشه‌خواه، علیرضا خیمسه و سحر دولتشاهی، حتی به جمع ۱۰ فیلم منتخب تماشاگران راه نیافت.

■ **جشنواره ملی میهمانی شخصی؟!**

شیوه برگزاری جشنواره فجر امسال از بسیاری جهات ویژه بود که ریشه تمام آنها را می‌شود در دبیری منوچهر شاهشواری و شخصی‌سازی مطلق قوانین و آیین‌نامه‌ها دید. حضور حتی یک تماشاگر برای نخستین بار صاحب دبیرخانه‌ای شد فجر چهل‌وچهارم برای نخستین بار صاحب دبیرخانه‌ای شد که مکانی مشخص دارد و در طول سال دایر است. به‌علاوه سیمیرغ بلورین آن به ثبت حقوقی رسید. اینها اقدامات خوبی است اما در اولویت داشتن‌شان تردیدهایی وجود دارد.

شاهشواری امسال هیات انتخاب را حذف کرد و خود شخصاً فیلم‌های بخش مسابقه را برگزیداو داوران فیلم‌های کوتاه و بلند و مستند را یک گروه واحد قرار داد و کاری کرد که نمایش تعدادی از فیلم‌های کوتاه با مستند با عدم انصاف حتی یک تماشاگر برگزار شود؛ در حالی که چنین آثاری که جشنواره‌های تهران و حقیقت استقبالی کم‌نظیر دریافت می‌کنند. اگر فقط یک نفر نظر بدهد و حرف اول و آخر را بزند، طبیعتاً نتیجه کار منجر به همین آبروریزی خواهد شد. شاهشواری جدول نمایش فیلم‌ها را هم خودش شخصاً (چیدل) و قرعه‌کشی نکرد و جدول را طوری چید که به جز چند فیلمساز معدود، تقریباً همه ناراضی بودند و از اصحاب رسانه هم نقدهای فراوانی به این سبک چپش کردند. داوران هم تا صبح روز اختتامیه مشخص نشدند و وقتی اسمی آنها بیرون آمد، معلوم شد که بیشتر از هر چیز در میان آنها تهیه‌کننده وجود دارد. نکته مهم دیگر مسائل استراتژیکی است که بعضاً در فجر نادیده گرفته می‌شوند و تأکید مؤکد روی واژه «ایران» نمی‌تواند این خلأ را پر کند. چه اینکه امروز حتی بعضی دشمنان ایران هم به دروغ روی همین واژه تأکید می‌کنند و جایی که یک موضع‌گیری استراتژیک، درست شکل می‌گیرد و کامل می‌شود، نقطه مرزبندی‌ها است.

برخورد سال گذشته جشنواره فجر با فیلم «خدای جنگ» دلایل سیاسی، بانوی رفقای داشت و برخلاف اهداف ملی بود و امسال هم حذف و نادیده‌انگاری «جان‌شنین» که اشاره دقیقی به مساله نفوذ دارد، چیزی نیست که بتوان ساده از کنار آن گذشت.